

پیش از آغاز

۱. علم اصول فقه را نه دانشی برای فهم صحیح دانش فقه، که باید علم به اصول و قواعد فهم همه متون اسلامی دانست، چرا که معیارهای موجود در این علم، قواعد و معیارهایی برای فهم همه متون به دست می دهد. گستره کارکردی این دانش و بهره گیری آن از روش ها و متدها و قواعد کاربردی موجود در علوم مختلف و البته نقد و بررسی این قواعد، با معیار و سنجش عقل و اندیشه بشری، اصول فقه را در همه دانش های اسلامی نفوذ داده است؛ تا آنجا که می توان اثر آن را در دیگر علوم اسلامی نیز مشاهده کرد. البته نباید فراموش کرد که این دانش در توسعه و بالندگی خود، از دیگر علوم اسلامی، نظیر فلسفه و... بهره برده است.

۲. علم تفسیر که عهده دار شناساندن معارف برین منظوی در کتاب الهی است، به دلیل ارجمندی موضوع، بر دیگر علوم سیطره و سلطنت دارد. حاکمیت این علم بر دیگر دانش ها موجب می شود که سایر علوم، در مواجهه با تفسیر به مثابه روشی برای فهم به کار آیند یا آنکه هر یک از این علوم، روشی برای فهم و تفسیر کتاب الهی ارائه کنند؛ با این همه دانش اصول فقه به دلیل معیار و منطق بودن در میان علوم اسلامی، می تواند روش ها و مبانی و قواعد مختلف تفسیری را بررسی کند و در نهایت میزان راستی و ناراستی این روش ها را در فهم و تفسیر کتاب الهی مشخص سازد.

۳. این اثر که حاصل تتبع، تحقیق و تدریس استاد بزرگوار، یادگار ارزنده امام خمینی، حضرت حجة الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی است، قصد دارد با نگاهی جامع و البته رویکردی اصولی، به بررسی و نقد یکی از قواعد کاربردی علم تفسیر، تحت عنوان «وضع الفاظ برای ارواح معانی» پردازد. شایان توجه اینکه امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در نوشته‌های خود به این قاعده توجه وافر داشته و شاید علت اصلی پردازش به این بحث، در خلال درس خارج اصول (مبحث وضع)، توجه بسیار آن فقیه و عارف فرزانه به این قاعده تفسیری بوده است.

در پایان بر خود فرض می‌دانیم که ضمن سپاس و حمد خدای قادر متعال، از آن استاد بزرگوار تشکر کنیم و قدردان اعتماد و اطمینان ایشان باشیم که نعمت و عنایت خدای عزوجل است.

سید محمد حسن مخبر - سید محمود صادقی